



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تخت و تختی آداب

در سفرهای زیارتی

شکیب سادات جومری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی

نویسنده:

شکیبا سادات جوهری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	دیباجه
۱۶	مقدمه
۲۰	فصل اول کارکردهای مثبت زبان در سفرهای زیارتی
۲۰	اشاره
۲۲	زیبایی های زبان
۲۲	اشاره
۲۵	۱. ذکر
۲۷	۲. راستگویی
۲۸	۳. استغفار
۲۸	اشاره
۳۰	۴-استغفار بی روح
۳۱	۴. قرائت قرآن
۳۲	۵. شکرگزاری
۳۶	۶. دعا و راز و نیاز با خدا
۳۶	اشاره
۳۸	۷-چگونه دعا کنیم
۴۲	فصل دوم کارکردهای منفی زبان در سفرهای زیارتی
۴۲	اشاره
۴۴	زشتی های زبان

- ۴۴ اشاره
- ۴۵ ۱. عیب جویی
- ۴۵ اشاره
- ۴۹ -حواریون عیب بین و حُسن نظر عیسی (ع)
- ۴۹ -گریه بر عیب خود
- ۵۰ -بزرگ بینی عیب دیگران
- ۵۱ -عیب پوشی خداوند در روز قیامت
- ۵۳ ۲. غیبت
- ۵۶ ۳. دروغ
- ۵۶ اشاره
- ۵۸ -سرانجام دروغگویان
- ۵۸ -درمان دروغگویی
- ۵۹ -راستگو از گناه محفوظ است
- ۶۱ ۴. دشنام و نفرین
- ۶۱ اشاره
- ۶۴ -ناسزاگویی و حبس دعا
- ۶۵ ۵. زخم زبان
- ۶۵ اشاره
- ۶۶ -کوچک، ولی فتنه انگیز
- ۶۷ ۶. چاپلوسی و تملق
- ۶۷ اشاره
- ۶۸ -کاه و کوه
- ۶۹ -از چاپلوسی بیزارم
- ۷۱ ۷. تهمت

- ۷۱ اشاره
- ۷۲ -عذاب عظیم تهمت زندگان
- ۷۲ -پرهیز از جایگاه تهمت
- ۷۳ -عاقبت تهمت زندگان
- ۷۵ ۸. خودستایی
- ۷۷ ۹. سخن چینی
- ۷۷ اشاره
- ۷۹ -سرانجام سخن چینی
- ۸۰ ۱۰. رازگشایی
- ۸۰ اشاره
- ۸۲ -حفظکردن رازهای خود
- ۸۴ -رازگشایی با محرمان
- ۸۶ -عوامل افشای راز
- ۸۶ اشاره
- ۸۶ الف) پرحرفی
- ۸۶ ب) عقده حقارت
- ۸۷ ج) دوستی و رفاقت
- ۸۷ د) احساساتی شدن و عصبانیت
- ۸۸ ۱۲. اهانت و تحقیر
- ۸۹ ۱۳. بازگویی گناه
- ۹۷ درباره مرکز

آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی

مشخصات کتاب

سرشناسه : جوهری، شکیاسادات

عنوان و نام پدیدآور : آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی / شکیاسادات جوهری.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۸۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۸۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۵ - ۸۹.

موضوع : گفتار -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : مسافرت -- آداب و رسوم -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۲۵۱/ج۴۲۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۴۹۸۹۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

دیباچه

انسان موجودی اجتماعی است و تداوم زندگی سعادتمندانه او در پرتو پیوندی مودت آمیز همراه با تفاهم و احترام متقابل با هموعانش امکان پذیر است. او ناگزیر است در تعامل با دیگران رفتاری را برگزیند که انتظار انجام آن را از دیگران دارد.

اگر مایل است دیگران با او خوشرفتاری کنند، آبرویش و اسرارش را حفظ کنند، از بدی های او چشم پوشند، با او صادق باشند، غیبتش را نکنند، به او تهمت نزنند و... خود نیز می باید انتظار دیگران را در این زمینه برآورد؛ چراکه در روایات اشاره شده است:

«أَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ» ؛ «آنچه را برای خود می پسندید برای دیگران نیز پسندید» .

زبان یکی از ابزارهایی است که خداوند در اختیار بشر قرار داده و در زندگی اجتماعی او بسیار تأثیرگذار است.

ص: ۸

چگونگی بهره‌گیری از این نعمت الهی می‌تواند انسان را سعادتمند یا نگون بخت گرداند. از این رو، بهره‌گیری و مواظبت از آن، به ویژه در سفرهای زیارتی حج و عمره که زمینه بهره‌گیری مثبت و منفی آن به دلیل حضور در جمع فراوان است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

اثر پیش رو با عنوان «آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی» به همت محقق ارجمند سرکار خانم شکیبا سادات جوهری جمع‌آوری و تدوین شده است. امیدواریم برای استفاده عموم، به ویژه زائران خانه دوست، مفید و سودمند واقع شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص: ۹

مقدمه

در زندگی انسان، زبان، مؤثرترین و آسان‌ترین ابزار برای ارتباط، ترجمان اندیشه، بیان احساس‌های درونی، آموزش میراث فکری و انتقال فرهنگ و تجربه از نسلی به نسل دیگر است. از این رو، اهمیت و ارزشی بسیار دارد. از سویی دیگر، زبان، همان گونه که می‌تواند مایه کمال و خوشبختی انسان باشد، در صورت کنترل نشدن، دین و دنیای او را تباه می‌کند.

از جلوه‌های زبان، زیبا سخن گفتن است که در میان دیگر زیبایی‌های جهان، جایگاهی ویژه دارد. جایگاه والای زبان، در عزت آفرینی یا زوال اخلاقی انسان‌ها، بر کسی پوشیده نیست. از این رو، شایسته است زائران سفرهای معنوی از این جایگاه آگاهی یابند.

زبان، وسیله است و کاربرد هر وسیله و کارآیی آن، به

ص: ۱۰

نوع استفاده از آن بستگی دارد؛ می‌تواند چون شمشیر برنده‌ای عمل کند و سرگوینده‌اش را به باد دهد یا از افتادن نابینایی در چاه جلوگیری کند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«كَمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَهْلَكَهُ لِسَانُهُ» (۱)؛ «چه بسیار انسانی که زبان، او را نابود کرد».

بر این اساس، باید همواره مراقب این شمشیر تیز و برنده بود تا از پیامدهای زیانبار آن در امان بمانیم و این مراقبت در سفرهای زیارتی بیشتر خود را نمایان می‌سازد. امیرمؤمنان علی (ع) به پیروان خویش سفارش می‌کند:

وَلِيخْزَنِ الرَّجُلُ لِسَانَهُ فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ. (۲)

مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد.

بر همین اساس، به حفظ زبان سفارش شده است، چنان که ناصر خسرو سروده:

مکن مجروح دل‌ها را به طعنه

از امام علی (ع) پرسیدند: «زیباترین آفریده خدا کدام است؟» حضرت فرمود: «سخن». گفتند: «زشت‌ترین آن کدام است؟» باز هم فرمود: «سخن». سپس فرمود:

۱- غرر الحکم، تمیمی آمدی، ص ۲۱۳.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۷۶.

ص: ۱۱

بِالْكَلَامِ اِيْضًا الْوُجُوْهُ وَ بِالْكَلَامِ اَسْوَدَّتِ الْوُجُوْهُ. (۱)

چهره‌ها با سخن، سفید می‌شود و نیز با سخن، سیاه می‌شوند.

بر اساس سخن زیبای امیرمؤمنان علی (ع)، برخی به دلیل سخن سنجیده و وزین خود، روسفید می‌شوند و گروهی به دلیل بیهوده‌گویی، پرگویی، غیبت، دروغ و مانند آن، روسیاه و سرافکنده می‌گردند.

نقل است شخصی از رسول اکرم (ص) خواست وی را نصیحت کند. حضرت فرمود: «زبان‌ت را حفظ کن!» و سه بار این جمله را تکرار کرد. (۲)

نگه دار زبان تا به دوزخت نبرند که از زبان بتر اندر جهان زبانی نیست

امام علی (ع) می‌فرماید:

لَا يَسْتَقِيْمُ اِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيْمَ قَلْبُهُ وَ لَا يَسْتَقِيْمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيْمَ لِسَانُهُ. (۳)

ایمان بنده‌ای استوار نگردد تا دل او استوار شود، و دل او استوار نشود تا زبانش استوار گردد.

زبان، ترجمان قلب آدمی است و آنچه در وجود

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۵۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۰۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

ص: ۱۲

اوست، بر زبانش جاری می شود؛ به تعبیر دیگر، زبان، آینه تمام نمای وجود آدمی است.

زائر کوی جانان از آن زمان که در میقات حضور می یابد و لباس احرام بر تن می کند، پیمان یک دلی، یک زبانی و یک رنگی می بندد و همواره خداوند را می ستاید. در برابر الطاف بیکران خداوند، سر تعظیم و تسلیم فرود می آورد. آنچه از زبانش می تراود، در حقیقت از قلبش برخاسته است. از صفات زشت دوری می کند و می کوشد خود را با کردار و گفتار نیک به خدا و بندگان خدا نزدیک سازد. زائر، با لحنی نرم و کلامی محترمانه با دیگران سخن می گوید. زائران باید از زبان برای گسترش خیر و نیکی و مهربانی و صداقت در همکاری بهره برند و نهایت دقت را در بیان نیکو و هماهنگی بین گفتار و رفتار داشته باشند و بدانند که دورویی، نفاق و دوگانگی روزی آشکار می شود و چهره واقعی آدمی را نزد دیگران آشکار می سازد.

ص: ۱۳

فصل اول کارکردهای مثبت زبان در سفرهای زیارتی

اشاره

ص: ۱۵

زیبایی های زبان

اشاره

زیبایی امری مطلوب است. خداوند نیز به این صفت توصیف شده است؛ چنان که در دعای سحر می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ. (۱)

خدایا! زیباترین زیبایی هایت را می خواهم و همه زیبایی های تو زیباست.

جهان هستی نیز زیباست و جلوه ای از صفات الهی است. زیبایی های جهان آفرینش مانند آسمان و ستارگانش، چهره انسان، زیبایی جانداران، منظره های طبیعی و نیز زیبایی هایی که پیامد فکر و ذوق انسان است، همگی ستایش شده و به خواست پروردگار است. در میان همه این زیبایی ها، سخن زیبا، جایگاهی ویژه دارد. این جایگاه هم به دلیل ویژگی های لفظی و ادبی و ترکیب

۱- مفاتیح الجنان، دعای سحر.

ص: ۱۶

واژگان مناسب آن در جمله زیباست و هم از نظر محتوای سخن باید پسندیده و ارزشمند باشد. خداوند در قرآن، سخن زیبا و نیکو را ارزشمند دانسته و از بندگان خود خواسته است، سخنانشان را به برترین صورت به زبان آورند: (قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)؛ «به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد». (اسراء: ۵۳)

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) هم خود زیبا سخن گفته اند و هم دیگران را به زیباگویی فرا خوانده اند.

نهج البلاغه، نمونه ای ارزشمند از سخن زیباست. در این اثر، حضرت علی (ع) که در عالی ترین مرتبه سخنوری قرار دارد، توانایی خود را در قالب عبارات کوتاه و تشبیهی جالب، چنین بیان کرده است:

وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ فِينَا تَنَشَّبَتْ عُرُوقُهُ وَ عَلَيْنَا تَهَدَّلَتْ عُصُونُهُ. (۱)

ما [اهل بیت رسول خدا (ص)]، امیران سخن هستیم. درخت سخن در وجود ما ریشه دوانیده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است.

«سلیمان بن مهران» می گوید: روزی امام صادق (ع) به شماری از پیروان خود فرمود:

ای گروه شیعه! زینت ما باشید و مایه ننگ ما نباشید!

ص: ۱۷

با مردم، نیکو سخن بگوئید، زبان هایتان را نگه دارید و آن را از پرگویی و سخن زشت بازدارید. (۱)

سخن زیبا، آثار و برکات فراوانی دارد که اگر زائران، زبان خود را به زیباگویی عادت دهند، از زیبایی های زبان بهره مند می شوند. امام زین العابدین (ع)، به پنج پیامد زیباگویی این گونه اشاره کرده است:

الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَيُنْمِي الرِّزْقَ وَيُنْسِي فِي الْأَجْلِ وَيُحِبُّ إِلَى الْأَهْلِ وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ. (۲)

سخن زیبا، مال و ثروت را زیاد می کند؛ روزی را افزایش می دهد؛ مرگ را به تأخیر می اندازد؛ آدمی را محبوب خانواده اش می سازد و او را وارد بهشت می کند.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز خوش زبانی را موجب افزایش دوستان و کم شدن دشمنان و ایمنی از سرزنش ها معرفی می کند و می فرماید:

عَوْدَ لِسَانِكَ لَيْنَ الْكَلَامِ وَبَدَلَ السَّلَامِ يَكْثُرُ مَحْبُوكٌ وَيَقَلُّ مُبْغُضُوكَ. (۳)

زبان را به نرم گویی و سلام کردن عادت ده، تا دوستانت بسیار و دشمنانت اندک شود.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۳- غرر الحکم، ص ۴۳۵.

ص: ۱۸

زائران سفرهای معنوی باید به گونه ای با هم اطاقی و همسفران خود سخن بگویند که باعث جذب آنها شود و دوستی های جدید ایجاد کند و باعث شود این دوستی ها بعد از سفر هم ادامه پیدا کند.

خداوند، انسان را آفرید و آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ ها را از نشانه های قدرتش بیان کرد؛ زیرا در آن پندهایی برای انسان نهفته است. اختلاف زبان، از نشانه های قدرت الهی است و مسلمانانی که در سراسر جهان زندگی می کنند، یک زبان به یگانگی پروردگار هستی و رسالت پیامبران اقرار می کنند و زیباترین اقرار، ذکر «لا اله الا الله» است. این جمله، به معنای گشودن زبان به حق و بندگی خداوند است.

بنابراین، هرچه زائر در دوستی با پروردگار، ثابت قدم باشد و به محبوب حقیقی امید بندد و دوستی خدا را در بندگی و پیروی از او بداند، خداوند نیز او را در زمره محبوبان خود قرار می دهد. اکنون به برخی از زیبایی های زبان اشاره می کنیم:

۱. ذکر

دوران سفر، فرصتی مناسب است تا زائر، با بهره گیری از زبان با یاد خدا انس بگیرد و با تلاوت دعا و گفتن ذکر، دل خود را صفا بخشد و از این توفیق معنوی بهره برد.

ص: ۱۹

ذکر زبانی از راه های مؤثر انس با خداست. خواندن نمازهای یومیه و نافله، دعا و نیایش، مناجات با معبود و گفتن ذکر، جلوه های انس با خداست.

حضور زائران در فضای معنوی مسجدالنبی و مسجدالحرام، بهترین فرصت برای این انس است. در آموزه های دینی، سفارش شده است زائران، زبان خویش را همواره به ذکر خدا عطر آگین کنند و پیوسته خدا را به بزرگی و یکتایی بستایند.

همچنین، بر محمد و آل محمد (ص) صلوات بفرستند یا نام های مبارک خداوند را به زبان بیاورند. «یا ستار»، «یا غفار»، «یا ارحم الراحمین» و «الحمد لله رب العالمین»، از ذکرهایی است که قلب را روشن می کند و چون شمیمی، روح را می نوازد. این اذکار مقدس و زیبا، افزون بر آنکه زینت زبان زائران است، هم آنان را از ثواب آن بهره مند می کند و هم از حرف های بیهوده دور نگه می دارد.

بر اساس روایت های اسلامی، اعمال انسان در کارنامه عملش ثبت می شود. چه نیکوست که این اعمال، دعا و نیایش و اذکار متبرکه باشد. امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید:

مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكَانِ يَكْتُبَانِ مَا يَلْفِظُهُ ثُمَّ يَرْفَعَانِ ذَلِكَ إِلَى مَلَكَتَيْنِ فَوْقَهُمَا فَيُتَبَّانِ مَا كَانَ مِنْ

ص: ۲۰

خَيْرٌ وَ شَرٌّ وَ يَلْقِيَانِ مَا سَوَى ذَلِكَ. (۱)

هیچ کس نیست؛ جز آنکه با او دو فرشته است که آنچه را می گوید، می نویسند. سپس آن نوشته را به دو فرشته دیگر که بالاتر از آنان هستند، می دهند. آن دو فرشته، خیر و شر آن را ثبت می کنند و غیر آن را دور می افکنند.

۲. راستگویی

راستی و صداقت، از صفات برجسته زائران است و منزلت و جایگاه آنان را نزد همسفران ارتقا می بخشد و موجب جلب اعتماد همسفران می شود. زائران باید در سفرهای معنوی، این ویژگی نیکوی انسانی را ارج نهند و آن را در وجود خویش، بیش از پیش پرورش دهند تا حجتشان مقبول درگاه الهی قرار گیرد و در برابر صدقشان پاداش گیرند. در آیه ای از قرآن می خوانیم:

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ (احزاب: ۲۴)

هدف این است که خداوند، راستگویان را به خاطر صدقشان پاداش دهد.

راستگویی، سبب تزکیه و پاکی کردار آدمی می شود؛ چنان که امام صادق (ع) می فرماید:

«مَنْ صَدَقَ لِسَانَهُ زَكِيَ»

۱- آثار الصادقین، صادق احسان بخش، ج ۲۱، ص ۱۱۹.

ص: ۲۱

عَمَلُهُ» (۱)؛ «آن که زبانش راست بگوید، عملش پاک می شود».

همچنین فرمود:

يَا فَضِيلُ! إِنَّ الصَّادِقَ أَوَّلَ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

ای فضیل! همانا راستگو، نخستین کسی است که خداوند او را تصدیق می کند.

امام باقر (ع) نیز فرموده است:

«تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ

قَبْلَ الْحَدِيثِ» (۳)؛ «پیش از سخن گفتن، راستگویی را بیاموزید».

سخن راست، بر رفتار آدمی تأثیر می گذارد. یکی از اهداف بعثت پیامبران نیز حاکمیت راستگویی و حفظ امانت در جامعه انسانی بوده است. اساس همه آموزه های اخلاقی، آراسته شدن به زیور راستگویی است تا آدمی از هر نظر، برای حرکت به سوی تکامل و قرب الهی، آماده شود. اگر زبان فرد گویای چیزی و رفتارش خلاف آن باشد، در حقیقت، به سوی نفاق و دورویی گام برمی دارد، درحالی که خود خبر ندارد.

۳. استغفار

اشاره

از راه های نزدیکی به خداوند مهربان، استغفار است. استغفار نوعی عبادت، و عبادت، از عوامل رشد روحی و

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۶.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۳.

ص: ۲۲

معنوی است. عبادت آرام بخش و روح افزاست. زیبایی عبادت به این است که انسان، با برترین موجود، یعنی کمال بی نهایت هستی، ارتباطی عمیق برقرار می کند و بی هیچ پرده و حجابی با او سخن می گوید. استغفار نیز از شیرینی های زبان است. انسان باید از گناهی که مرتکب شده، توبه کند و حتی اگر گناهی مرتکب نشده باشد نیز،

پسندیده است در همه حال استغفار گوید. در حقیقت، می توان گفت استغفار، نوعی دعاست و انسان، همواره باید دعا کند؛ زیرا دعا سلاح مؤمن و روح عبادت است. البته استغفار باید با یقین و حضور قلب باشد و تنها گفتن این کلمه کافی نیست، بلکه باید به معنای عمیق آن توجه شود. استغفار کردن باید موجب تحول درونی در شخص شود؛ به گونه ای که دیگر مرتکب گناه نشود.

نقل است رسول گرامی اسلام (ص) با وجود داشتن عصمت همواره استغفار می کردند. بنابراین ما نیز باید با پیروی از سنت رسول الله (ص) حداقل روزی هفتاد بار استغفار کنیم تا از رحمت خداوند متعال بهره مند شویم.

در کلامی از امام صادق (ع) می خوانیم: «پیامبر هر روز هفتاد مرتبه استغفرالله و هفتاد مرتبه اتوب إلى الله می گفت». (۱)

ص: ۲۳

این کار، نشانه و رسم بندگی و توجه کامل و پیوسته به معبود است.

و شما ای زائر پیامبر و ای معتکف مسجد نبوی، با خود بیندیش چند بار با نبی مکرم اسلام (ص) هم‌نوا شدی و در مسجد النبی استغفار کردی؟! آیا به جای اینکه با دوست و همسفرت قیمت اجناس را برانداز کنی که کدام ارزان تر است، بهتر نیست فرصت را غنیمت شماری و زبانت را به ذکر «استغفر الله» مترنم کنی؟

-استغفار بی روح

رفاعه می گوید:

ما در جنگ جمل با امیرالمؤمنین (ع) بودیم. حضرت کسی را دنبال طلحه بن عبیدالله فرستاد و خواستار شد که با او ملاقات کند. طلحه نزد حضرت آمد. امام (ع) به او فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم آیا از رسول خدا (ص) نشنیدی که فرمودند: «هر کس من مولای اویم، پس علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار هر کس علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن می دارد»؟! طلحه گفت: «آری شنیده‌ام!» حضرت فرمود: «پس چرا به جنگ با من برخاسته‌ای؟ تو اول کسی بودی که با من بیعت کردی و سپس

ص: ۲۴

بیعت خود را شکستی. درحالی که خداوند عزوجل می فرماید: هر کس پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان شکسته است». (۱) در این هنگام طلحه گفت: «استغفرالله» و سپس برگشت. با اینکه در مقابل علی (ع) از کرده خود طلب استغفار کرد، اما وقتی به سپاه جمل برگشت به رفتار اشتباه خود ادامه داد و در این جنگ کشته شد و طلحه الخیر به طلحه الشر تبدیل شد. (۲)

۴. قرائت قرآن

قرآن، کتاب آسمانی و روشنگر راه زندگانی مسلمانان جهان و معجزه جاویدان رسول اکرم (ص) است. خواندن قرآن قلب را آرام می کند و نور چشم را زیاد می نماید. چه زیباست که زائر هر فرصتی به دست آورد، شمیم جان خویش را با خواندن آیات مبارک قرآن بنوازد و روح خویش را صیقل دهد. خصوصاً اگر این فرد زائر خانه خدا و شهر رسول الله باشد؛ جایی که مرکز نزول قرآن است و جای جای آن یادآور نزول آیات الهی است. تلاوت و ختم قرآن در مدینه و مکه اهمیت ویژه ای دارد. امام سجاد (ع) فرمود: «هرکس در مکه ختم قرآن کند،

۱- فتح: ۱۰.

۲- هزار و یک حکایت اخلاقی، صص ۶۴۵ و ۶۴۶.

ص: ۲۵

نمی‌میرد تا آنکه پیامبر خدا را ببیند و جایگاهش را در بهشت بنگرد». (۱)

امام باقر (ع) فرمود:

هر کس که در مکه از جمعه تا جمعه یا در کمتر یا بیشتر از آن ختم قرآن کند و پایان آن، روز جمعه باشد، برای او پاداش و حسنات از اولین جمعه‌ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه‌ای که در دنیا خواهد بود، نوشته می‌شود. اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند، همین طور است. (۲)

ای خواهر و برادر زائر، آیا نمی‌خواهید پاداش تمام عمر تلاوت کردن قرآن را ببرید؟ پس فرصت به دست آمده را غنیمت شمارید و برای خود در طول سفر زمان‌هایی را در نظر بگیرید و در مسجدالنبی یا مسجدالحرام به تلاوت قرآن پردازید که چنین فرصت‌هایی دوباره به دست نمی‌آید.

۵. شکرگزاری

از زیبایی‌های زبان، نعمت شکرگزاری است. خداوند مهربان، تنها معبودی است که شایسته شکرگزاری است و انسان هرگز نمی‌تواند با زبان خویش، از عهده شکر او

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۶.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۶..

ص: ۲۶

برآید. خداوند متعال، نعمت های بسیاری، از جمله چشم، گوش، زبان، راه رفتن و... به انسان بخشیده است؛ نعمت های بزرگی که می توانیم به وسیله آنها به راه حق و حقیقت رهنمون شویم. امام سجاد (ع) در مقام شکر از محضر پروردگار می فرماید:

خدایا! هرگاه کسی در طریق شکر تو، به سرمنزلی رسد، احسان دیگری از سوی تو برای او فراهم آید و سپاس دیگری را بر وی لازم گرداند؛ هرچه در فرمان برداری از تو کوشش کند، به سرانجامی نرسد و به آن مرتبه از طاعت که تو به فضل و احسان خود سزاوار آن هستی، دست نیابد. پس شاکرترین بندگانت، از سپاس تو ناتوان باشد و عابدترین ایشان، از فرمان برداری ات فرو ماند.

(۱)

زائران گرامی نیک می دانند که شکرگزاری از پروردگار هستی، اظهار رضایتمندی از منعم و سپاس از خداوند است. همچنین، از فضیلت های زبان آدمی است که با بیان جمله زیبای «الحمد لله»، شکر گزار خداوند باشیم. این شکرگزاری، سبب رفع بلا و فزونی نعمت می شود. از رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده است:

کسی که چیزی بخورد و شکر کند، اجر او مانند

ص: ۲۷

اجر کسی است که برای رضای خدا روزه گرفته و کسی که بدن او سالم باشد و شکر کند، اجر او چون اجر کسی است که در بیماری صبر کرده و ثروتمند شاکر، اجری مانند فقیر قانع دارد.

آن حضرت در کلامی دیگر فرمود:

در روز قیامت، منادی ندا می دهد که حمدکنندگان برخیزید. پس طایفه ای برمی خیزند و پرچمی برای ایشان نصب می کنند و ایشان داخل بهشت می شوند.

عده ای پرسیدند: «حمدکنندگان کیستند؟» حضرت (ص) فرمود: «کسانی که خدا را در هر حال شکر می کنند». (۱)

امام محمد باقر (ع) روایت کرده است:

شبی پیامبر خدا (ص) در حجره عایشه بود. عایشه گفت: «یا رسول الله! چرا این قدر خود را در عبادت رنج می دهی و خسته می کنی، درحالی که خدا همه گناهان تو را آمرزیده است؟ رسول خدا (ص) فرمود: «آیا بنده شاکر نباشم». (۲)

روایت شده است که خداوند سبحان، به موسی (ع) وحی فرستاد: «ای موسی، حق شکر مرا ادا کن!» موسی (ع) عرض کرد: «پروردگارا! چگونه تو را به شایستگی شکر

۱- معراج السعاده، ص ۵۹۷.

۲- معراج السعاده، ص ۵۹۷.

ص: ۲۸

کنم، حال آنکه هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن نیز نعمت توست». خطاب رسید: «که ای موسی! حال که مرا شکر کردی، دانستی این هم از من است». (۱)

و تو ای زائر کوی جانان آیا شاکر نعمتی که پروردگار عالم شامل حالت کرد، هستی؟ آیا پاس دعوت پروردگار را به جای می آوری؟ آیا حضور در کنار خانه خدا و مسجد الحرام را - که یک رکعت نماز در آن برابر با صد هزار نماز در سایر مساجد است (۲) - شکر گزاردی؟ آیا حضور در کنار حرم نبوی و مسجد النبی را غنیمت شمردی که یک رکعت نماز در آن برابر با ده هزار نماز در سایر مساجد است؟ (۳) آیا توفیق حضور در حرم حسینی را که خداوند استجابت دعای زیر گنبد او را ضمانت کرده، غنیمت شمردی؟ راستی، چگونه شکر زبانی و عملی این نعمت ها را می توان به جای آورد. غیر از این است که با توجه به خدا و اهل بیت معصومین (علیهم السلام) و نماز و دعا و تلاوت قرآن می توان شکر گزار این نعمت بود.

شایسته است با استفاده از نعمت خداوند که همان زبان است، خدای مهربان را شکر کنیم و در همه حال،

۱- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

۲- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

۳- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

ص: ۲۹

تسبیح گوی خوان نعمتش باشیم. بنده باید از خدا بخواهد توفیق بزرگ سپاس‌گزاری را از وی نگیرد؛ زیرا همواره به لطف و کرامت او نیازمند است. در حقیقت، شکر انسان، اعتراف زبان دل است به ناتوانی خود و توانایی قادر متعال.

۶. دعا و راز و نیاز با خدا

اشاره

از جلوه‌های زیبای بهره‌گیری از زبان، می‌توان به راز و نیاز با خداوند منان اشاره کرد. برای مؤمنانی که به معرفت رسیده‌اند، شکوهمندترین زمان، لحظه‌ای است که در محضر پروردگار هستی، به دعا و مناجات می‌پردازند و با ساده‌ترین الفاظ، در برابر تواناترین قدرت، ابراز ناتوانی می‌کنند.

رسولان الهی، در تنگناهای زندگی با دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند، از او یاری می‌خواستند. زندگی ائمه (علیهم‌السلام) نیز سرشار از مضامین زیبایی است که با مقدس‌ترین کلمات، پروردگار را می‌ستودند.

زندگی امام سجاده (ع) سرشار از دعاهایی زیبا و پرمحتواست که نیازمندی انسان را به خدای بی‌نیاز بیان می‌کند و گویای آن است که ما به پروردگار نیازمندیم و او سزاوار پرستش.

امام سجاده (ع) در نیایش خود این‌گونه به خدای متعال

ص: ۳۰

پناه می برد:

خدایا! اگر اراده کنی که ما را بیامیزی، این آموزش نتیجه فضل توست و اگر خواست تو، کیفر دادن ما باشد، این کیفر نیز از عدالت توست. بر ما منت گذار و در کار بخشش خود سخت مگیر! از گناهان ما در گذر و ما را از عذاب خود رهایی ده که ما را طاقت عدل تو نیست. بی بخشایش تو، هیچ یک از ما را امید نجات نباشد. (۱)

دعا نزدیک ترین راه پیوند مخلوق به خالق تواناست و خاکیان با راز و نیاز می توانند افلاکی شوند و از فرش به عرش برسند. راز و نیاز انسان با خدا از والاترین ذکرهاست. انسان در راز و نیاز با خداوند، شایستگی سخن گفتن با محبوب یکتا را پیدا می کند و ذره ذره وجودش سرشار از آرامش می شود؛ بدی ها را کنار می گذارد و خوبی هایش افزون می شود؛ سر به سجده می گذارد و حلقه بندگی حق تعالی را بر گردن می نهد و از نماز، نور معرفت می گیرد و نورانی می شود. آن گاه معنای حقیقی ذکر و یاد خدا را بیشتر و بهتر درک می کند و در نهایت، به ساحل سلام و سلامت می رسد.

۱- صحیفه سجادیه، دعای دهم.

ص: ۳۱

زائران عزیز باید فرصت را مغتنم شمرده نیمه شب های مسجدالنبی و مسجدالحرام را قدر بدانند. از نیمه های شب تا نزدیک نماز صبح بهترین اوقات راز و نیاز شبانه است.

زائران در خلوت ربانی مسجدالحرام و مسجدالنبی محو دیدار معشوق حقیقی شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی سپارند.

راز و نیازهای شبانه در سرزمین وحی آن قدر لذت بخش است که در کمتر جایی چنین لذتی برای فرد ایجاد می شود. از این رو زائران نباید این روزهای معنوی را از دست بدهند.

— چگونه دعا کنیم

امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه می خواهید از خداوند حاجتی بگیرید، باید ابتدا خدا را ستایش کنید. چنان که اگر از سلطانی چیزی بخواهید سعی می کنید سخنان آراسته ای برای صحبت کردن با او آماده کنید. شما نیز وقتی از خدا درخواستی دارید، پروردگار عزیز و جبار را تمجید و ستایش کنید و او را ثنا گوید؛ مانند این سخنان: «یا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى و یا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ یا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ یا أَحَدًا یا صَمَدًا یا مَنْ لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدًا یا مَنْ لَمْ

ص: ۳۲

يَتَّخِذُ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ .

آن گاه هر چه می توانی بیشتر او را به نام های بزرگش یاد کن و بر پیامبر و آتش صلوات بفرست و بگو: «پروردگارا! از روزی حلال بر من توسعه بده به مقداری که آبرویم حفظ شود و به وسیله آن امانتی را که به من سپرده ای حقش را ادا کنم و صله رحم انجام دهم و آن مال مرا کمک کند برای انجام حج و عمره» .

سپس فرمود:

مردی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز خواند. آن گاه دست بلند کرد و حاجت خود را از خداوند خواست. پیامبر او را مشاهده می کرد، فرمود: «این مرد خیلی زود و با عجله حاجت خود را خواست». مرد دیگری پس از او وارد شد و دو رکعت نماز به جا آورد و بعد از نماز، خدا را ثنا گفت و بر پیامبر (ص) و آتش صلوات فرستاد. آن گاه حضرت رسول (ص) فرمود: «درخواست کن که هر چه بخواهی خداوند به تو می دهد!» . (۱)

ای میهمانان خدا و زائران حرم نبوی! ای زائران اولیای

ص: ۳۳

خدا، آگاه باشید که به بهترین مکان دعوت شده اید؛

جایگاه دعا و راز و نیاز. از این رو با ادب و احترام خاص مشغول دعا شوید و مطمئن باشید خداوند به زائر امام حسین (ع) و زائر پیامبر (ص) که خاندان عصمت و طهارت را واسطه فیض قرار می دهند، توجه خاص می نماید.

ص: ۳۵

فصل دوم کارکردهای منفی زبان در سفرهای زیارتی

اشاره

ص: ۳۷

زشتی های زبان

اشاره

توجه به آفت ها و آسیب های زبان، بسیار مهم و ضروری است. بدزبانی، از زشتی های مهم زبان و نشانه انحطاط اخلاقی است. اولیای دین، در سخنان خود به پیامدهای روانی، اجتماعی و عقوبت اخروی این صفت نکوهیده اشاره کرده اند. حضرت علی (ع) در این باره فرمود:

إِيَّاكَ وَمَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحِسُّ عَلَيْكَ اللَّثَامَ وَيُنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ. (۱)

از سخن زشت و ناپسند بپرهیز؛ زیرا زشت گویی، فرومایگان را اطرافت نگاه می دارد و افراد شریف و بزرگواری را از گردت می پراکند.

نتیجه همنشینی با افراد بدزبان، بدزبانی و دشنام گویی است. نامیدن افراد به القاب ناپسند نیز پیامدهای منفی بسیاری دارد. بر این اساس، شایسته است انسان، عیب های

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۴.

ص: ۳۸

خود را اصلاح کند و فقط در پی آشکار کردن عیوب دیگران نباشد. در آزمون‌های اخلاقی سفارش شده است، زائرانی که دوست دارند مقرب خداوند شوند و دعایشان مستجاب شود، باید از عیب جویی بپرهیزند و از خداوند کریم که ناظر بر همه اعمال است، بخواهند زبانشان را از زشتی‌ها حفظ کند.

از زشتی‌های زبان می‌توان به غیبت، تهمت، انکار و تکذیب، اهانت، ناسزاگویی، دروغ، تمسخر و... اشاره کرد. در آموزه‌های اسلامی، این اعمال، ناپسند شمرده شده است. از آنجا که زائر در مسیر ترکیه و تهذیب نفس قرار دارد، باید بیش از همیشه به سخنانش دقت کند و بداند که سخنان نابجا افزون بر آسیب‌های فردی آسیب‌های اجتماعی فراوانی نیز به دنبال دارد. در اینجا بعضی از زشتی‌های زبان را بررسی می‌کنیم:

۱. عیب جویی

اشاره

عیب جویی، از آفت‌های زبان است. بسیار ناپسند و زشت است که فردی زبان به طعنه و عیب جویی بگشاید. یکی از نشانه‌های بی‌زاری خداوند از افراد عیب جو نام گذاری یکی از سوره‌های قرآن به نام «هُمَزَه»، یعنی «بسیار عیب جو» است. مضمون آیه‌های ۱۰ و ۱۱ سوره قلم نیز آشکارا به این مطلب اشاره دارد، آنجا که خداوند می‌فرماید:

ص: ۳۹

(وَلَا تُطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ * هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ)

و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن کسی که بسیار عیب جوست و به سخن چینی آمد و شد می کند.

وقتی روابط اجتماعی انسان ها بیشتر می شود، عیب هایشان نیز آشکارتر می شود. از این رو، لازم است خوبی های یکدیگر را برجسته کنند و در پی عیوب هم نباشند. توجه به این نکته در سفر ضروری تر است؛ چرا که در این وضعیت امکانات محدودتر و روابط بین همسفران گسترده تر است.

بنابراین، زائران باید توجه داشته باشند عیب جویی، چه در حضور شخص و چه در غیاب او، چه با زبان و چه با اشاره چشم و سر، چه کم و چه زیاد، پسندیده نیست و اگر در میان جمع باشد، اثر منفی آن بیشتر است. همچنین، آدمی نباید از عیب های خود غافل شود و تنها به عیب دیگران توجه کند.

عیب خود نیافتن، بالاترین عیب هاست جاهلان منفصل از جهل را جاهل مخوان

صائب تبریزی

امام علی (ع) در این باره می فرماید:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعًا لِغُيُوبِ النَّاسِ عَمِيًّا

ص: ۴۰

عَنْ مَعَايِبِهِ. (۱)

بدترین مردم کسی است که عیب های مردم را بررسی و جست و جو کند، درحالی که از [دیدن] عیب های خویش غافل و نایبناست.

همچنین در کلامی دیگر می فرماید:

أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (۲)

بزرگ ترین عیب آن است که بر دیگری عیب جویی کنی به آنچه مانند آن، در وجودت هست.

عیب جویان، هیچ گاه ویژگی های مثبت دیگران را نمی بینند؛ زیرا در پی نقاط ضعف آنها هستند تا برای بدنامی و رسوایی آنان، عیب و نقصی بیابند.

همه عیب خلق دیدن، نه مرؤت است و مردی نگهی به خویشان کن که همه گناه داری

سعدی

با توجه به آنچه گفته شد، شایسته است زائران، به جای برشمردن عیوب دیگران، در پی شناخت ضعف ها و عیب های خود و اصلاح آنها باشند. شایسته نیست انسان، نقص های فراوان خود را از یاد برد و به عیب جویی از دیگران مشغول شود و نترسد از اینکه خداوند نیز به کیفر

۱- غرر الحکم، ص ۲۳۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۹.

ص: ۴۱

و مکافات عمل زشتش، او را در دنیا و آخرت نزد مردم رسوا و بدنام کند.

عیب کسان منگر و احسان خویش دیده فرو بر به گریبان خویش

سعدی

روزی شخصی به محضر پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت:

ای رسول خدا! دوست دارم خداوند عیب مرا بپوشاند! شما مرا به چه چیزی و انجام دادن چه کاری راهنمایی می کنید تا خداوند به من نظر لطف و رحمت کند، در دنیا و آخرت عیب هایم را فاش نسازد و نزد خلائق رسوایم نکند. حضرت در پاسخ فرمود:

أَسْتُرُ عُيُوبَ إِخْوَانِكَ يَسْتُرُ اللَّهُ عَلَيْكَ عُيُوبَكَ.

عیوب برادرانت را بپوشان تا خداوند، عیب های تو را بپوشاند.

مریز آبرو ای برادر به کوی که دهرت بریزد به شهر آبروی

سعدی

خداوند غفار می فرماید:

(وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ) (نور: ۲۲)

آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند، آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟

-حواریون عیب بین و حُسن نظر عیسی (ع)

روزی حضرت عیسی (ع) با حواریون، از کنار مردار سگی می گذشتند. حواریون با دیدن لاشه سگ گفتند: «چه بوی بد و متعفنی دارد؟» حضرت عیسی (ع) به لاشه سگ نگریست و دید دندان های سفیدش پیدا است؛ فرمود: «به به چه دندان های سفیدی دارد». (۱)

گرت عیب جویی بود در سرشت نبینی ز طاووس جز پای زشت

سعدی

-گریه بر عیب خود

روزی «ربیع بن خَیثم» با عده ای دور هم نشسته بودند و گفت و گو می کردند. یکی از حاضران به ربیع گفت: «هیچ گاه نشنیدیم تو از کسی غیبت و عیب جویی کنی!» ربیع گفت:

از اوضاع و احوال خود راضی و خشنود نیستم تا به غیبت و عیب جویی دیگران پردازم. مرا گریه بر خویش است، نه بر دیگران. (اشتغال و پرداختن به عیب خویش، مرا از غیبت و عیب جویی دیگران بازداشته است). (۲)

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۷، ص ۱۵۲.

۲- کشکول، محمد بن حسن شیخ بهایی، ص ۱۵۵.

ص: ۴۳

اگر عیبی در دیگران دیدی با دقت به خود بنگر که آیا همان عیب به گونه ای دیگر در خودت وجود دارد یا نه. رسول گرامی اسلام (ص) در سفارش های خود به علی (ع) فرمود:

یا علی! إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِعُيُوبِ النَّاسِ فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِعُيُوبِ نَفْسِكَ. (۱)

اگر دیدی مردم مشغول شمارش عیب های دیگران هستند تو مشغول یافتن عیب های خودت باش.

-بزرگ بینی عیب دیگران

رسول اکرم (ص) در روایتی فرمود:

كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُنْصَرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمِي عَنْهُ. (۲)

همین بدبختی برای آدمی کافی است که عیب

مردم را ببیند، ولی در [دیدن] عیب خود کور و غافل باشد.

یکی از بزرگان نیز گفته است: «شما خسی را در چشم برادر خود می بینید، ولی تیر را در چشم خود نمی بینید». (۳)

آینه خویش را به صیقل دادم روشن کردم به پیش خودنهادم

۱- مواظظ العددیه، آیت الله مشکینی، ص ۱۷۸.

۲- جامع السعادات، ملا محمد مهدی نراقی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳- احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۳، ص ۲۹۳.

ص: ۴۴

در آینه عیب خویش چندان دیدم کز عیب دگر کسان نیامد یادم

محمود غزنوی

—عیب پوشی خداوند در روز قیامت

روایت شده است هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد، در آن روز رسول خدا (ص) از خدای سبحان درخواست می‌کند که به وقت حسابرسی خلایق، امت او را در حضور فرشتگان و پیامبران و امت‌های دیگر محاسبه نکند تا عیب‌های امت مسلمان برایشان آشکار نشود. بلکه به طریقی آنها را محاسبه کند که به جز خدای سبحان و پیغمبر او، هیچ کس دیگر بر عیوب و گناهانشان آگاه نشود. وقتی که این درخواست از جانب پیغمبر اکرم (ص) مطرح شد. خداوند در پاسخ آن حضرت فرمود:

ای حبیب من، من نسبت به بندگانم از تو مهربان‌ترم؛ زیرا همچنان که تو دوست نداری و

مایل نیستی که عیب‌های ایشان نزد غیر تو آشکار شود، من هم دوست ندارم و روا نمی‌دارم که عیوب آنها بر تو نیز ظاهر و آشکار گردد. به همین خاطر من خود به تنهایی آنان را محاسبه کرده، به حسابشان رسیدگی می‌کنم؛ به طوری که جز من کسی بر عیوب و لغزش‌های ایشان آگاه نشود. (۱)

ص: ۴۵

ملاً مهدی نراقی ذیل حدیث فوق، برای آموزش دادن درست به انسان می فرماید:

پس وقتی عنایت خدای سبحان در پوشاندن عیوب بندگان تا این حد باشد، ای بیچاره مبتلا به انواع عیوب و لغزش ها و گناهان، به چه حقی پرده از عیوب بندگان خدا برمی داری، درحالی که تو خود همانند آنها به انواع عیوب و لغزش ها گرفتاری! بیندیش و فکر کن که اگر کسی گناه یا عیبی از تو را در پیش مردم فاش کند، حال تو چگونه خواهد بود. پس حال دیگران را هم در افشای گناهان و عیوب آنها با حال خود مقایسه کن؛ زیرا از اخبار و تجربه، روشن و واضح است که هر کس دیگران را رسوا کند، خود نیز رسوا و مفتضح می شود. پس ای دوست من، بر خود رحم کن و از

این روش پروردگارت در عیب پوشی پیروی کن و بر عیب ها و لغزش های دیگران پرده افکن. (۱)

رسول اکرم (ص) می فرماید:

لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا إِلَّا تَسْتُرُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

هیچ بنده ای عیب بنده دیگر را نمی پوشاند، مگر اینکه خداوند در روز قیامت عیب او را می پوشاند.

۱- آفات زبان، ص ۲۸۶.

۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۱.

ص: ۴۶

۲. غیبت

یکی از زشتی‌ها و شاید بتوان گفت رایج‌ترین گناه زبان، غیبت است. وقتی عده‌ای گرد هم جمع می‌شوند و از هر دری سخن می‌گویند تا چیزی گفته و دیگران را سرگرم کرده باشند، معمولاً در ورطه غیبت فرو می‌روند. این زشتی زبان به گونه‌ای شیوع پیدا کرده که به جمع‌های افرادی که انتظار چنین گفت و گوهایی از آنان نمی‌رود هم نفوذ پیدا کرده است.

در سفرهای زیارتی هم زیاد اتفاق می‌افتد که همسفران دور هم جمع می‌شوند و از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور سخن می‌گویند و غیبت می‌کنند. اگر کسی هم نهی از منکر کند، می‌گویند دروغ نمی‌گوییم؛ زیرا این افراد تفاوت میان غیبت و تهمت را نمی‌دانند.

غیبت کردن، یعنی سخن گفتن پشت سر دیگری، به گونه‌ای که اگر آن را بشنود ناراحت شود. (۱) رسول گرامی اسلام فرمود:

إِجْتَبُوا الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ. (۲)

دوری کنید از غیبت کردن، به درستی که این خوی زشت، نان و خورش سگ‌های دوزخ است.

۱- المحججه البيضاء، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۶.

ص: ۴۷

در جای دیگر ایشان می فرماید:

«تَحْرِمُ الْجَنَّةَ عَلَى الْمُغْتَابِ» (۱)؛ «بهشت بر کسانی که غیبت می کنند حرام است».

در سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲، خداوند زشتی غیبت را بسیار ملموس بیان کرده و فرموده است:

و هیچ یک از شما، دیگری را غیبت نکنند! آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد، [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که، خداوند توبه پذیر و مهربان است.

غیبت کردن از افراد باعث می شود که انسان آبروی برادر و خواهر دینی خود را نزد دیگران ببرد؛ بی خبر از اینکه خود نزد خدا، رسول و فرشتگان مقربش بی آبرو شده است.

در مقابل اگر کسی از آبروی برادر دینی خویش نزد غیبت کننده دفاع کند، خداوند بهشت را بر او واجب می کند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

هر کس در غیاب برادر دینی خود آبرویش را نگه دارد، بر خداوند لازم است تا در روز قیامت، وی را از رسوایی نجات داده، آبرویش را حفظ کند. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۹.

۲- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۹.

ص: ۴۸

در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است:

در روز قیامت، اهل جهنم با تمام شکنجه و عذابی که دارند، از آزار و اذیت چهار گروه از مردم در رنج و عذاب به سر می‌برند؛ این چهار دسته از آب جوشان می‌نوشند و از سختی این کیفر و عذاب و مجازات الهی فریادشان بلند است. یکی از این چهار گروه افراد غیبت کننده است. (۱)

مکن غیبت هیچ کس را بیان که روزی شود بر تو غیبت عیان

سعدی

چرا سفری که می‌شود منشأ دوستی‌های جدید باشد، با گفتن حرف‌های بی‌اساس، زمینه‌ساز تیرگی‌ها و دشمنی‌ها کنیم. چرا سفری که برای کسب ثواب و اصلاح ظاهر و باطن است، به سفری تبدیل کنیم که اعمال نیک موجود هم به پرونده شخص غیبت شونده منتقل شود و نه تنها قلبمان از آلودگی‌ها پاک نشود، بلکه زنگار بیشتری پیدا کند.

حضرت علی (ع) ضمن نکوهش غیبت می‌فرماید:

«الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ» (۲)؛ «غیبت کردن، تلاش ناتوان است».

بر این اساس، شایسته است زائران عزیز، قدر و ارزش زبان خویش را بدانند و زبان به غیبت برادران و خواهران خود نگشایند تا از این سفر معنوی، توشه‌ای الهی و ثواب

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۶۱.

ص: ۴۹

اخروی بگیرند. همچنین، با حفظ زبان از غیبت، روح همبستگی و دوستی را حفظ کنند و در طول سفر، خاطره انگیزترین لحظات را برای خود و دوستان و همسفران رقم بزنند؛ چرا که عطر دوستی پایدارتر از فضای دودآلود غیبت است.

با توجه به اهمیت غیبت و آثار تلخی که در روابط اجتماعی و عاقبت اخروی غیبت کننده دارد، لازم است زائران بکوشند در فرصت هایی که با همسفران صحبت می کنند، از غیبت پرهیزند و اجازه ندهند دیگران هم به این گناه آلوده شوند و در صورتی که توانایی جلوگیری از غیبت را ندارند، جلسه را ترک کنند.

۳. دروغ

اشاره

یکی دیگر از زشتی های زبان که بدترین گناه کبیره هم نامیده شده، دروغ است.

دروغگو در دیده انسان خوار و بی اعتبار و نزد خداوند، سرافکننده و شرمسار است. خداوند در قرآن با محروم ساختن دروغگویان از هدایت خویش، بیزاری خود را از آنان اعلام می کند؛ می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (زمر: ۳)

خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است، هرگز هدایت نمی کند.

ص: ۵۰

گفتنی است: ایمان هیچ گونه سازگاری با دروغ ندارد و انسان مؤمن هرگز دروغ نمی گوید؛ چراکه دروغ بنای ایمان را خراب می کند.

زائران باید به این امر توجه کنند که دروغگویی توفیق بندگی و تهذیب نفس را از انسان می گیرد؛ چراکه نزد خداوند هم کذاب شناخته می شود. رسول گرامی اسلام (ص) در این باره فرمودند:

إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا... (۱)

از دروغ پرهیز، زیرا دروغ، رو را سیاه می کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغگو نوشته می شود...

در روایات معصومین از دروغ به شدت نهی شده است؛ چه کوچک و چه بزرگ چه شوخی و چه جدی. بعضی افراد دروغ می گویند و خیال می کنند با توجیه شوخی یا مصلحتی بودن می توانند اثر بد آن را خنثا کنند؛ مثلاً پارچه ای می خرند و چون همسفرش از او می پرسد چند خریده ای، به گمان بالاتر بردن تشخیص خود، قیمت را گران تر می گوید یا وارد مغازه و فروشگاه می شود و برای اینکه جنس را ارزان تر بخرد، می گوید فلان مغازه ارزان تر می داد.

-سرانجام دروغگویان

دروغ سرچشمه همه گناهان محسوب می شود؛ فرد با دروغ گفتن خود را بی شخصیت می کند و آن گاه که دروغش آشکار شود، اعتبارش از بین می رود و برای اینکه خود را تبرئه نماید، دروغی دیگر می گوید. اما وقتی حقیقت آشکار شد، رسوا می شود. دروغ علاوه بر زیان های روحی و روانی بر فرد، زیان های اجتماعی نیز دارد؛ چراکه شخص دروغگو همواره در ترس است که مبادا دروغش آشکار و به اعتبارش خدشه وارد شود.

خداوند در مذمت دروغ می فرماید: **فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ** ؛ «بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود». (زخرف: ۵(۱))

حضرت علی (ع) نیز درباره ره آورد شوم دروغ می فرماید: «دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است». (۲)

همچنین می فرماید: «ای مردم آگاه باشید، بدترین گفتار، دروغ است». (۳)

-درمان دروغگویی

راستگویی، هماهنگی زبان و دل، و دروغ ناهماهنگی بین زبان و دل است. دروغگو عاقبت اندیشی نمی کند؛

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

ص: ۵۲

چراکه اگر قدری تأمل کند، به زشتی کار خویش واقف می‌گردد. از این رو آن را ترک می‌کند. پس راه درمان دروغ‌گویی اندیشیدن است؛ چنانچه انسان فرجام دروغ‌گویی را تصور کند و در پی کمال و سعادت مادی و معنوی خویش باشد این بیماری را در خویش درمان و با مجاهده نفس آن را ترک می‌کند. قلمرو دروغ گسترده است و ممکن است همه جا به سراغ انسان بیاید. حتی در سفر زیارتی نیز ممکن است شخص برای خندانیدن همراهان خود، دروغ بگوید.

از این رو زائران باید از هر دروغی، چه کوچک و چه بزرگ، چه جدی چه شوخی، پرهیزند؛ زیرا اگر آدمی به دروغ کوچک زبان بگشاید، دروغ بزرگ نیز خواهد گفت.

-راستگو از گناه محفوظ است

مردی خدمت رسول اکرم (ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله (ص)! مرا به شایسته‌ترین کارها راهنمایی کن!» حضرت (ص) فرمود: «راستگویی پیشه کن و از دروغ بپرهیز و هر گناه دیگری می‌خواهی، انجام بده!» مرد از این سخن رسول خدا (ص) در شگفت شد و فرمایش حضرت را پذیرفت و رفت. در بین راه با خود گفت: «پیامبر خدا (ص) مرا از غیر دروغ نهی نکرده است». پس تصمیم به کار

ص: ۵۳

گناهی گرفت و به سوی آن عمل حرکت کرد».

همین که مقداری رفت، فکر کرد اگر این عمل را انجام دهم و کسی از من بپرسد، از کجا می‌آیی؟ نمی‌توانم دروغ بگویم و اگر راست بگویم نیز، به کیفر شدید و بدبختی بزرگی مبتلا می‌شوم. بنابراین، منصرف شد. همچنین، یک بار دیگر به فکر گناه افتاد، ولی با خود گفت: «اگر خلاف آن را بگویم، دروغ گفته‌ام». پس منصرف شد و در نتیجه، با ترک دروغ، از همه گناهان دوری کرد. (۱)

تفکر در آثار شوم فردی و اجتماعی و همچنین اخروی دروغ کافی است که هر انسان مؤمن و معتقدی را از دروغ گفتن باز دارد؛ چرا باید به گونه‌ای سخن بگوییم که هر لحظه نگران افشا شدن آن باشیم؛ چرا در فضای معنوی و زیبای اماکن زیارتی که دل‌ها صفا می‌گیرد و روح انسان صیقل می‌یابد، بعضی به خاطر عادت‌های غلط از همه چیز محروم باشند. حتی دعایشان هم در این اماکن این است که خدایا دروغی که گفتم برملا نشود و آبرویم در جمع همسفران نرود. تازه در آن فضا هم فرصت دعا برای اصلاح گذشته و توفیق آینده ندارد، بلکه دعا برای اشتباهات روزمره خود می‌کند.

۱- ر. ک: پند تاریخ، موسی خسروی، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

ص: ۵۴

۴. دشنام و نفرین

اشاره

از دیگر آفت های زبان می توان به دشنام و نفرین اشاره کرد. دشنام، نفرین و مترادف های آن دو، در زبان عرب و دیگر زبان ها با مفاهیمی متفاوت، ولی نزدیک به هم استفاده می شود.

از رفتارها و گفتارهای متداول در جوامع انسانی که با تعلیم و تربیت اسلامی به معنای کامل و جامع تعارض دارد، فحاشی، دشنام، سب و ناسزاگویی، بددهنی و نفرین است. بسیاری از مسلمانان، بدون توجه به پیامدهای ناگوار آن عادت کرده اند؛ به گونه ای که، زشتی بدان فحش و ناسزا، در نظرشان به مرور زمان کم رنگ شده است.

خداوند در قرآن از سب و لعن نهی کرده است. از جمله آیاتی که دارای نکته های آموزنده درباره سب است آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام است. در این آیه می خوانیم:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

[به معبود] کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید مبادا آنها [نیز] از روی [ظلم] جهل، خدا را دشنام دهند.

«شیخ طبرسی» در تفسیر این آیه می نویسد:

یعنی بت های مورد پرستش مشرکان را دشنام

ص: ۵۵

مگویید که صلاح نیست و در بحث و گفت و گو، شیوه پسندیده ای نمی باشد؛ زیرا آنان بدین وسیله تحریک می شوند و از راه ستم و بی ادبی و جاهل و نادانی، خدا را دشنام و فحش می گویند و شما قدرت تنبیه و ادب کردن ایشان را در [مکه] ندارید و هنوز مأمور قتال نمی باشید. (۱)

همچنین، در تفسیر این آیه، از امام صادق (ع) نقل شده است:

ناسزاگویی و دشنام مؤمنان به بت ها، سبب می شد مشرکان، خدا را سب و ناسزا گویند. پس مؤمنان ناآگاهانه و نه از روی علم و آگاهی، مشرک می شدند و در عمل، شریک کافران می گشتند. (۲)

بر این اساس، باید توجه داشت که حتی به پست ترین و جاهل ترین افراد نیز نباید فحاشی و ناسزاگویی کرد؛ زیرا این عمل پیامدی سوء دارد. در آموزه های اسلامی، سب و لعن از منکرهاست و هرگز نمی توان با منکری از منکری دیگر نهی کرد.

دین اسلام، دین منطق و برهان است و به همین دلیل توصیه شده است مؤمنان از بددهانی پرهیزند و حتی برای

۱- سب و لعن از دیدگاه اخلاقی و فقه سیاسی، سید ابراهیم سید علوی، ص ۱۲.

۲- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۳، ص ۳۴۷.

ص: ۵۶

تنبيه افراد خطاكار نیز کلمات زشت به کار نبرند. همچنین، اگر مؤمن به افرادی برخورد کند که به مقدساتش توهین می کنند و به شخص پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) دشنام و ناسزا می گویند، بر او واجب است از حریم ولایت و امامت دفاع کند، اما به طرف مقابل دشنام و ناسزا نگوید.

همچنین، با نفرین و ناسزاگویی، اطرافیان، دوستان، اعضای خانواده، همکاران و افراد آبرومند را آزار ندهند تا فضایی آکنده از مهربانی بر خانواده، جامعه و کشور حاکم گردد. رسول گرامی اسلام فرمود:

«لَا يَتَّبِعِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَكُونَ لِعَانًا» (۱)؛ «برای مؤمن شایسته نیست که لعنت گو باشد».

کسانی که زبان خود را کنترل نمی کنند یا به اخلاق ناپسند عادت کرده اند، در زیباترین فضاها و در بهترین حالات هم زبانشان به ناسزاگویی، لعن و نفرین دیگران گشوده می شود. بارها در حال طواف دیده شده است که به خاطر ازدحام جمعیت، زائرنی تحت فشار زائران آفریقایی که از نظر جسمی قوی تر و بلندقامت ترند، قرار می گیرند و در همان حال شروع می کنند به ناسزا گفتن به سیاهان.

بعضی اوقات بعد از نمازهای مسجدالحرام جمعیت زیادی به سوی صف های اتوبوس هجوم می آورند. در این

ص: ۵۷

موقعیت‌ها اتوبوس کم می‌شود و زائران مجبورند مدت کوتاهی زیر آفتاب منتظر بمانند تا اتوبوس‌ها برگردند. در این حالت افراد کم ظرفیت به برنامه ریزان حج ایران، رانندگان و راهنمایان ایرانی ناسزا می‌گویند.

-ناسزاگویی و حبس دعا

گاهی اوقات عادت به ناسزاگویی و نفرین دیگران موجب حبس دعا می‌شود. حتی اگر در بهترین مکان‌ها دعا شود. امام صادق (ع) فرمود:

عابدی از بنی اسرائیل سه سال پیوسته دعا می‌کرد تا خداوند به او پسری عنایت کند، ولی دعایش مستجاب نمی‌شد. روزی عرض کرد: «خدایا! من از تو دورم که سختم را نمی‌شنوی یا نزدیکی ولی جوابم را نمی‌دهی؟» در خواب به او گفتند: «سه سال است خدا را با زبانی که به فحش و ناسزا آلوده است، می‌خوانی. اگر می‌خواهی دعایت مستجاب شود، فحش و ناسزا را رها کن. از خدا بترس. قلبت را از آلودگی پاک کن و نیت خود را نیکو گردان». [حضرت صادق (ع) فرمود:] «او به دستورات عمل کرد، آن‌گاه خداوند دعای او را اجابت کرد و پسری به او داد». (۱)

ص: ۵۸

۵. زخم زبان

اشاره

یکی دیگر از زشتی‌های سخن گفتن، زخم زبان است. منظور از «زخم زبان» جراحی قلبی است که با سخن

گفتن بر دیگری وارد می‌شود. حضرت علی (ع) درباره ضرورت کنترل زبان می‌فرماید:

اللِّسَانُ سَبْعٌ، إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرَ. (۱)

زبان [تربیت نشده] درنده‌ای است که اگر رها شود می‌گزد.

پس زبان باید در مسیر درست تربیت شود و بدون اندیشه حرفی زده نشود، چراکه به فرموده حضرت علی (ع): «زبان عاقل در

پشت قلب اوست و قلب احمق در پشت زبان او قرار دارد». (۲)

این سخن ارزشمند می‌رساند که عاقل سخن نسنجیده نمی‌گوید، اما احمق هرچه بر زبانش آید، بدون فکر و دقت می‌گوید. پس

زبان عاقل از قلب او و قلب احمق از زبانش فرمان می‌گیرد.

در حدیث دیگر حضرت می‌فرماید:

«حَدُّ اللِّسَانِ أَمْضَى مِنْ حَدِّ السِّنَانِ» (۳)؛ «برندگی زبان، ماندگارتر از برندگی شمشیر است».

۱- نهج البلاغه، حکمت ۶۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۰.

۳- غرر الحکم، ص ۲۱۳.

ص: ۵۹

زخم زبان را کاری تر از زخم و ضربه شمشیر می دانند؛ چراکه اگر بر اثر ضربه شمشیر زخمی بر اعضای بدن انسان وارد شود، بعد از مدتی ترمیم خواهد شد. اما طعنه و تحقیر و بدزبانی و زخم زبان، جراحی بر قلب انسان ایجاد می کند که هرگز التیام نمی یابد.

نیش و کنایه زدن چنان عادت بعضی افراد شده است که با برخورد به کمترین مانع از جانب دیگران، شروع به کنایه زدن می کنند؛ مثلاً در سفر احساس می کند که صندلی دوستش بهتر از صندلی اوست. با هزاران نیش و کنایه می فهماند که جای بهتر را برای خودش برداشته و صندلی آفتاب گیر یا عقب ماشین را به او داده است. در اطاق، تخت بهتر را برای خودش برداشته، تخت سفت، جلوی در یا... را به او داده است. میوه های رسیده را خودش می خورد و میوه های نارس را به او می دهد. همین طور هر چیزی را بهانه می کند تا کنایه هایش را نثار هم اطاقی و همسفر خود کند. راستی چرا بعضی افراد زبان گزنده دارند و هیچ یک از خدمت های دوستان خود را نمی بینند و تنها با توقعی کوچک و بی جا چنان زخم زبان می زنند که هرگز فراموش نمی شود.

-کوچک، ولی فتنه انگیز

«معاذ بن جبل» نقل می کند که روزی به حضرت رسول (ص) عرض کردم: «یا رسول الله! مرا نصیحت کنید!»

ص: ۶۰

حضرت فرمود:

ای معاذ! خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و درباره خود این گونه بیندیش که در میان مردگانی!

سپس در ادامه پند و اندرز خود فرمود:

ای معاذ! اگر تمایل داشته باشی، تو را به چیزی آگاه می سازم که بیشتر از هر چیزی در اختیار توست. آن گاه بی آنکه منتظر پاسخی از طرف من باشد، با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد. (۱)

از این اشاره رسول اکرم اهمیت صیانت از زبان روشن می گردد؛ به خصوص برای کسانی که اطرافیان از او انتظار دارند که حاج آقا و حاجیه خانم به آنان زخم زبان و نیش و کنایه نزنند.

۶. چاپلوسی و تملق

اشاره

از دیگر آفت های زبان، چاپلوسی و تملق است. چاپلوسی، از موارد رایج آسیب های زبان و نشانه پستی و انحطاط اخلاقی است. در سخنان اولیای دین و اندیشمندان اسلامی، به پیامدهای روانی - اجتماعی و عقوبت اخروی این صفت نکوهیده اشاره شده است. برخی افراد برای اینکه بتوانند نزد دیگران جایگاهی بیابند،

۱- المحججه البيضاء، ج ۵، ص ۱۹۳.

ص: ۶۱

همواره با زبان تملق، خود را عزیز و گرامی جلوه

می دهند. چنین افرادی برای فریب دیگران، از زبان چرب و نرم استفاده می کنند و با سخنان و وعده های دروغ، به مقاصد پلیدشان دست می یابند.

چاپلوسی از قدر و منزلت انسان می کاهد و او را در نگاه دیگران سبک می کند. انسان با ایمان، خداوند را مالک حقیقی جهان می داند و معتقد است آدمی تنها با اراده الهی می تواند اوج بگیرد. از این رو هیچ گاه با تملق، خود را به صاحبان قدرت و ثروت نزدیک نمی کند. حضرت علی (ع) می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْمَلَقَ فَإِنَّ الْمَلَقَ لَيْسَ مِنْ خَلْقِ الْإِيمَانِ. (۱)

از چاپلوسی بپرهیز که چاپلوسی از خصیصه های ایمان نیست.

در آموزه های دینی نهی شده از اینکه مؤمن، چاپلوس باشد. گفتار مؤمن رنگ خدایی دارد و با سخنان پسندیده، محبوب دیگران می شود. زائر حقیقی نیز، کسی است که از رذایلی چون چاپلوسی و نمایی به دور باشد.

-کاه و کوه

شخصی به نام محفن نزد معاویه آمد. معاویه از او پرسید: «از کجا می آیی؟» محفن برای خوش آمد معاویه و

ص: ۶۲

دریافت جایزه از در چاپلوسی وارد شد و گفت: «از نزد علی که بخیل ترین فرد عرب است!» معاویه با اینکه دشمن سرسخت امام علی (ع) بود، نتوانست این تهمت ناروا و ناجوانمردانه را تحمل کند؛ به او گفت:

ای نادان! چگونه علی بخیل ترین مرد عرب است! سوگند به خدا اگر علی دارای دو اتاق باشد که یکی از آن اتاق ها پر از گاه و دیگری پر از طلا باشد، اتاق طلای او بر اثر انفاق زودتر از گاه خالی می گردد. (۱)

-از چاپلوسی بیزارم

امام علی (ع) در یکی از خطبه های خود که در صفین ایراد کرد، چنین فرمود:

... من ناخوش دارم که در پندار شما چنین آید که من خواهان ثنا و ستایشم و سپاس خدایی را که چنین نیستم. اگر هم دوست می داشتم که مرا بستاید به سبب فروتنی در برابر پروردگام آن را ترک می کردم؛ زیرا تنها اوست که سزاوار عظمت و کبریاست. بسیار اتفاق افتد که مردم پس از انجام کار مهمی که کرده اند، می خواهند که آنان را ستایش کنند. ولی مرا به سبب

۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۲۱.

ص: ۶۳

فرمانبرداری ام از خدا و رفتار نکویی که با شما داشته ام، به نیکی مستایید؛ زیرا هنوز حقوقی است که من ادای شان نکرده ام و فرامینی که بر گردن من است، باید آنها را بگذارم.

آن سان که با جباران سخن می گویند، با من سخن مگویند و از من پنهان مدارید آنچه را مردم خشمگین، هنگام خشمشان پنهان می دارند. همچنین با چاپلوسی و تملق با من برخورد نکنید و مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید و نخواهم که مرا بزرگ انگارید؛ زیرا هرکس شنیدن حق بر او گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر آید. پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ تر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطایمن باشم. مگر آنکه خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد، کفایت کند؛ زیرا او تواناتر از من به من است.

ما و شما بندگانی هستیم در قبضه قدرت پروردگاری که پرورش دهنده ای جز او نیست. او صاحب اختیار ماست در آنچه خود به آن اختیار نداریم. اوست که ما را از آنچه در آن

ص: ۶۴

غوطه وریم، بیرون می کشد و به راهی که صلاح ما در آن است، می برد. او بود که ما را پس از گمراهی هدایت کرد و پس از نابینایی، بینایی بخشید. (۱)

۷. تهمت

اشاره

تهمت یکی از زیان بارترین و جبران ناپذیرترین کارکردهای زبان است. این آفت زبان، برای خود پرورنده سیاهی دارد که هیچ قاضی مقتدری نمی تواند از عهده اصلاح و پاکسازی آن برآید. ابعاد ناگفته تهمت، بیش از ابعاد مکرر گفته شده آن است.

اگر در جامعه ای تهمت رواج پیدا کند، به یقین آن جامعه سربلند نخواهد شد.

حضرت علی (ع) در مورد پرهیز از مواضع اتهام می فرماید:

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ. (۲)

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد نباید کسی را که به او بدگمان است، نکوهش کند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

—عذاب عظیم تهمت زندگان

پیامبر گرامی اسلام (ص) در مذمت بهتان می فرماید:

هرکس به مرد یا زن با ایمانی تهمت بزند یا درباره کسی چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در قیامت او را بر تلی از آتش قرار می دهد تا از آنچه گفته است خارج شود و از عهده گفته خود بیرون آید. (۱)

—پرهیز از جایگاه تهمت

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود:

هرکس به برادر مؤمن خود تهمت و افتراء بزند، ایمان در دلش آب شده، نابود می گردد؛ همان گونه که نمک در آب حل شده و از بین می رود. (۲)

تهمت آن است که انسان، صفت یا کاری را به دروغ به دیگری نسبت دهد و شخصی را که مرتکب کاری ناپسند نشده است، به انجام آن متهم کند یا عیب و نقصی را که در او نیست، به او منتسب کند؛ چه این نسبت دروغ در حضور او باشد، چه در غیاب او. حضرت علی (ع) در نکوهش تهمت می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۳.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۶۶.

الْبُهْتَانُ عَلَى الْبِرِّ، أَثْقَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ. (۱)

تهمت زدن به کسی که پاک و بی گناه است، گناه و کیفر آن از آسمان ها سنگین تر است.

تهمت زنی به دیگران مصادیق بسیاری دارد که بدترین آن درباره مسائل ناموسی است. ولی چنانچه خوب به گفتارمان دقت کنیم، متوجه برخی مصادیق آن می شویم و می فهمیم که گاهی ناخودآگاه به ورطه این گناه بزرگ می افتیم.

که در سفرهای زیارتی برخی زائران که از وضعیت کارها خیر ندارند، از این رو، مسئولان حج و زیارت، خدمه و مدیران کاروان و حتی همسفران خود را به امور غیر واقع متهم می کنند؛ مثلاً- مسئولان را به کوتاهی در کارها، گرفتن پول زیاد و غیره متهم می کنند. خدمه را متهم می کنند که به ما خدمات نمی رسانند. مدیر را به پارتی بازی متهم می کنند. درحالی که اگر تحقیق می کردند هیچ گاه خدمت گزاران خود را به چیزهای بی اساس متهم نمی کردند.

-عاقبت تهمت زندگان

روزی عیسی بن مریم (ع) از کنار گروهی از یهودیان

گذشت؛ برخی از آنها به برخی دیگر گفتند: «جادوگر

ص: ۶۷

آمد، و به مادرش حضرت مریم که به فرمان الهی بدون همسر باردار شده بود، تهمت بزرگی زده و نسبت زنا دادند. حضرت عیسی (ع) تهمت و افترای آنها را شنید و رو به درگاه آفریدگار جهان کرد و گفت:

خدایا تو پروردگارم هستی و مرا آفریدی و من به میل خود مورد تهمت و افترا قرار نگرفته‌ام، بلکه خلقت خارق العاده و اعجاب انگیز تو باعث گفتار ناهنجار و سخنان زشت آنها گردیده. خدایا کسی که مرا دشنام داد و به مادر پاکدامنم نسبت عمل خلاف عفت داد، لعنت کن.

خداوند متعال دعای پیامبرش را مستجاب کرد و آنها را به صورت خوک و گراز در آورد. هنگامی که تهورا «رهبر پیشوای یهودیان» از این حادثه باخبر شد، ترسید که حضرت عیسی (ع)، او را هم نفرین کند. از این رو تمام یهودیان را جمع کرد و آنان را به کشتن عیسی بن مریم (ع) تحریک و ترغیب نمود و آنان هم تحت تأثیر تبلیغات سوء آن ملعون قرار گرفته و تصمیم به کشتن آن حضرت گرفتند. آفریدگار جهان، فرشته وحی، «جبریل» را بر روی زمین فرستاد که عیسی بن مریم (ع) را از ضرر و آسیب آنان ننگه دارد و به او کمک کند. یهودیان اطراف عیسی بن مریم (ع) را گرفتند و از او چیزهایی را پرسیدند؛ حرف های

ناهنجار و درشتی به آن بزرگوار زدند.

ص: ۶۸

عیسی بن مریم (ع) در جواب به آنها فرمود: «ای گروه یهود خداوند شما را دشمن می دارد». یهودیان به آن حضرت حمله کردند تا او را به قتل برسانند؛ جبرئیل آن بزرگوار را به خانه ای که سقفش روزنه داشت، داخل کرد و از آنجا به آسمان برد. (۱)

۸. خودستایی

خودستایی از نظر اخلاقی، کاری ناپسند است و ائمه (علیهم السلام) نهی کرده اند.

حضرت علی (ع) خودستایی را در صورت راست و واقعی و به جا بودن بدترین راست ها معرفی می کند و می فرماید:

أَقْبَحُ الصُّدُقِ ثَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ. (۲)

بدترین و ناپسندترین گفتارهای راست، خودستایی است.

در واقع هرکس خویشتن را ستایش نماید، نفس خود را قربانی کرده است. خودستایی باعث خود بزرگی بینی و در نهایت باعث تکبر و غرور کاذب می شود. تکبر باعث می شود که شخص خود را از دیگران برتر بداند و به آنان

به دیده حقارت بنگرد. در نتیجه همیشه گفتار و اندیشه و

۱- ر. ک: نفس در اسارت شیطان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- غرر الحکم، ص ۴۶۶.

ص: ۶۹

رفتار خود را حق می‌داند و حاضر نیست به اشتباه خود اعتراف کند. شخص خودستا دوست دارد همه به او احترام بگذارند و از او تعریف نمایند. چنین فردی در راه رفتن و نشستن هم می‌خواهد بر دیگران مقدم گردد و اگر خلاف انتظارش عمل شود، ناراحت شده بدگویی می‌کند.

بہتر است انسان با تفکر در احوالات افراد مغرور و خودستا قدری در رفتار و گفتار خود تأمل کند و بداند که هر کدام از اخلاق رذیله، فضایل اخلاقی را از بین می‌برد و انسان را بعد از مدتی در نظر مردم بی‌اعتبار جلوه می‌دهد. چقدر بد است که انسان به دلیل معصیت از رحمت خدا دور شود و اعتبارش هم بین مردم کاسته شود.

انسان‌های کم‌ظرفیت و ضعیف‌النفس وقتی می‌خواهند جلب توجه کنند، خود را می‌ستایند، ویژگی‌های غیر واقعی به خود نسبت می‌دهند تا شاید در نظر دیگران جلوه کنند.

آیا تا به حال کسی با خودستایی محبوب دیگران شده است که تو، خواهر و برادر همسفر، به محبوبیت برسی. آیا نشنیده‌ای که می‌گویند: «مشک آن است که خود بیوید نه آنکه عطار بگوید».

یکی از مشکلات انسان خودستا این است که خودش

گفته‌های خود را باور می‌کند و انتظار دارد دیگران همه جا

ص: ۷۰

او را مقدم بدارند؛ در سفر بهترین صندلی را به او بدهند؛ در اطاق بهترین تخت را برای او بگذارند؛ دیگران کار کنند و همه چیز را آماده کنند.

ای همسفر چه زیباست سخن علی (ع) که فرمود:

كَفَى بِالْمَرْءِ مَنَقِصَةً أَنْ يُعْظَمَ نَفْسَهُ. (۱)

در نابخردی و کوتاه فکری شخص همین بس که خود را بزرگ بشمارد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

۹. سخن چینی

اشاره

یکی دیگر از زشتی های زبان، سخن چینی و سعایت است. سخن چینی عبارت است از: شخص سخن چین یا راز کسی را برای دیگری باز گو کند و بدین وسیله میان افراد، ناراحتی و اختلاف بیندازد. در زبان قرآن و روایات، از سخن چین با واژه های تمام و قنات یاد شده است.

در گفت و گوهای دوستانه وظیفه هر مسلمانی امانتداری و حفظ اسرار است. شایسته نیست مسلمان بین دو فرد قرار گیرد و سخن یکی را برای دیگری باز گوید.

این عمل موجب اختلاف و دشمنی می شود و رابطه افراد را به هم می زند.

ص: ۷۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی فرمود: «می خواهید از شرورترین افراد به شما خبر دهم؟» افراد حاضر پاسخ دادند: «بله یا رسول الله» حضرت فرمود: «آنهايي که بسیار سخن چینی می کنند و میان دوستان اختلاف و جدایی می اندازند». (۱)

شاید شما زائر گرامی نمونه هایی از سخن چینی های تفرقه انگیز را سراغ داشته باشید. شاید برخی قربانیان این صفت زشت را بشناسید؛ افرادی که خانواده هایشان متلاشی شده و خسارت مالی و جانی سختی خورده اند یا دخترانی که برای همیشه از ازدواج و تشکیل خانواده باز ماندند.

امام صادق (ع) فرمود:

بزرگ ترین جادوگری، سخن چینی است؛ زیرا این خصلت میان دوستان جدایی می اندازد و افراد باصفا را به عداوت و دشمنی می کشاند؛ سبب ریختن خون ها و آبرو و ویرانی خانواده ها می شود. تمام و سخن چین، بدترین و شرورترین فردی است که روی زمین حرکت می کند. (۲)

پس ای همسفر بیا در این سفر، امین و رازدار هم

باشیم و در جهت ایجاد رابطه صمیمانه بکوشیم و نه تفرقه انگیز.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱.

-سرانجام سخن چینی

برای هارون الرشید لباس های فاخر و گران قیمتی آورده بودند. آن را به علی بن یقطين، وزیر [شیعه] خود بخشید. از جمله آن لباس ها، دراعه ای (۱) طلابافت و از جنس خز بود که به لباس پادشاهان شباهت داشت. علی بن یقطين نیز آن لباس ها را همراه اموال دیگری برای امام کاظم (ع) فرستاد. حضرت دراعه را توسط شخص دیگری برای وزیر فرستاد. او شک کرد که علت چیست؟ حضرت در نامه ای نوشتند: آن را نگه دار و از منزل خارج مکن که روزی احتیاج می شود.

علی بن یقطين پس از چند روز بر یکی از غلامان خود خشم گرفت و او را از خدمت عزل کرد. غلام معزول نزد هارون الرشید سخن چینی کرد که علی بن یقطين قائل به امامت موسی بن جعفر (ع) است و خمس اموال خود را هر سال برای او می فرستد. برای نمونه همان دراعه ای را که شما به او بخشیدید در فلان روز برای موسی بن جعفر (ع) فرستاد.

هارون بسیار خشمگین شد و گفت: «باید این راز را کشف کنم». همان دم در پی علی بن یقطين فرستاد؛ هنگامی که حاضر شد، گفت: «آن دراعه ای را که به تو

۱- لباسی که جلوی باز است و روی لباس می پوشند.

ص: ۷۳

دادم چه کردی؟» علی بن یقظین گفت: «در خانه است و آن را در پارچه ای پیچیده ام و هر صبح و شام آن را باز می کنم و به آن تبرک می جویم!» هارون گفت: «هم اکنون آن را بیاور». علی بن یقظین یکی از خادمان خود را فرستاد و گفت: «دراعه در فلان اتاق، داخل فلان صندوق و در پارچه ای پیچیده است. برو آن را زود بیاور». غلام رفت و آن را آورد.

هارون دید دراعه میان پارچه گذاشته شده و عطرآلود است. خشمش فرو نشست و گفت: «آن را به منزل خود برگردان». دیگر سخن کسی را درباره توقبول نمی کنم و جایزه زیادی به او بخشید. آن گاه دستور داد غلامی را که سخن چینی کرده بود، هزار تازیانه بزنند. هنوز بیش از پانصد تازیانه به او نزده بودند که مرد. (۱)

۱۰. رازگشایی

اشاره

هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خویش اسراری دارد که باید در نگهداری آن بکوشد. برخی از این اسرار، مربوط به خود و برخی مربوط به خانواده یا جامعه اوست. امروزه با توجه به وجود ابزار پیشرفته و حساس جاسوسی و اطلاعاتی و کاربرد گسترده آن برای دگرگونی

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

ص: ۷۴

سرنوشت ملت‌ها، ضرورت رازداری، بدیهی و انکارناپذیر است و گذشته از آنکه فضیلتی اخلاقی به شمار می‌آید، در نیک بختی انسان‌ها نیز تأثیر بسزایی دارد.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ يَجَالُهُ الرَّأْيُ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَشْرَارِ. (۱)

پیروزی، به دور اندیشی و دور اندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به رازداری است.

ایشان در سخنی دیگر، رسیدن به موفقیت را در سایه رازداری دانسته است:

أَنْجَحُ الْأُمُورِ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكِتْمَانُ. (۲)

موفق‌ترین کارها آن است که پنهان‌کاری آن را فراگیرد.

در مقابل، افشای اسرار سبب دوری از موفقیت و حتی سقوط و شکست می‌شود؛ چنان‌که حضرت صادق (ع) فرمود:

«إِفْشَاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ» (۳)؛ «برملا کردن راز، [مایه] سقوط است».

هر فرد، خانواده، تشکیلات و جامعه‌ای، کم و بیش

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۱.

۲- غرر الحکم، ص ۳۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۹.

ص: ۷۵

اسرار و اطلاعاتی دارند که دیگران نباید از آنها آگاه شوند و آشکار ساختن آن برای دیگران، چه بسا آسیب‌ها و گرفتاری‌های بزرگی در پی دارد.

اسرار آدمی از دو حال بیرون نیست: یا بیانگر دولت و سعادت و نیک‌فرجامی است یا بیانگر نکبت و شقاوت و ناکامی است. رازداری در هر دو حال نیکوست؛ زیرا اگر راز، از دولت و سعادت انسان خبر دهد، اظهار آن موجب دشمنی بدخواهان و حسد ابنای زمان و توقع ارباب طمع و دون‌همتان می‌شود و اگر راز، از ناکامی و نکبت آدمی خبر دهد، بروز آن، شماتت دشمنان و اندوه دوستان و خفت در نظر ظاهرینان را در پی دارد. (۱)

-حفظ کردن رازهای خود

آن که رازدار خویش نیست، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ ضَعَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسِرِّ غَيْرِهِ. (۲)

کسی که نتواند اسرار خود را حفظ کند، نمی‌تواند رازهای دیگران را نگه دارد.

از سوی دیگر، کسی که در حفظ اسرارش، ناتوان یا بی‌اعتناست، نباید انتظار داشته باشد که مردم سر او را

۱- معراج السعاده، ص ۴۱۶.

۲- غرر الحکم، ص ۳۲۱.

ص: ۷۶

پوشیده نگاه دارند.

امام رضا (ع) می فرماید:

لَمْ يُخْنِكَ الْأَمِينُ وَ لَكِنْ ائْتَمَنْتَ الْخَائِنَ. (۱)

امین به تو خیانت نکند، تویی که به خیانتکار امانت سپردی.

خامشی به که ضمیر دل خویش

سعدی

آدمی در حفظ راز خویش، از هر کسی توانا تر و شایسته تر است و نباید اسرار خویش را با کسی در میان بگذارد؛ زیرا آن گاه که او سر دل می گشاید و تأکید می کند

که این راز میان ما دو نفر بماند، چه بسا آن شخص نیز با دیگری همان راز را در میان نهد و تأکید ورزد که این راز میان ما دو نفر بماند. این عمل سلسله وار ادامه می یابد تا جایی که راز آدمی، آشکار می شود. در این حال، هر چند شخصی که راز گشایی کرده مرتکب گناه شده ولی نباید جز خود را ملامت کند که بار نخست، راز خویشتن را بی هیچ تأمل و تدبیر به نامحرم گفته و پیش از همه از راز خویش پرده برداشته است.

۱- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۶۶.

ص: ۷۷

حضرت علی (ع) می فرماید:

وَالْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسْرِهِ وَرَبِّ سَاعٍ فِيمَا يَصُرُّهُ. (۱)

و انسان بهتر از هر کس دیگری می تواند اسرار خویش را حفظ کند. بسیاری از کسانی که بر زبان خود می کوشند.

بنابراین، آدمی باید در اینکه چه می گوید و با که می گوید دقت کند. آیا هر کسی شایستگی شنیدن همه گفته های او را دارد یا خیر؟ ممکن است کسی رازی را بشنود، آن گاه نه از سر دشمنی، بلکه به خاطر نداشتن ظرفیت درونی و آمادگی روحی بر پذیرش آن، ناخودآگاه به افشای آن پردازد. از این رو، حقایقی هست که برای برخی، به ویژه آنها که وجودشان را زنگار هوای نفس و نادانی و لجاجت در بر گرفته است، باید همیشه ناگفته بماند.

به شمشیرم زد و با کس نگفتم که راز دوست از دشمن نهان به

حافظ

-رازگشایی با محرمان

چنین نیست که انسان راز خویش با هیچ کس نگوید، بلکه گفتن راز و با محرم اسرار درددل کردن، روح و جان را سبک می کند و آدمی با پشتیبانی دیگران دلگرم و آرام

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص: ۷۸

می شود. البته در این میان، بهترین رازدار بندگان، خالق ستار و پرده پوش است.

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد

حافظ

آن هنگام که پیامبر اسلام (ص) از مأموریت هجرت خویش به مدینه باخبر شد، باید شخصی را انتخاب می کرد و این راز را با او در میان می نهاد تا یاری اش کند. در آن حال، پیامبر خدا (ص) تنها یک تن را یافت که توانست به او اعتماد کند و این شخص، کسی جز علی (ع) نبود.

رازی که بر غیر نگفتیم و نگوئیم با دوست بگوئیم که او محرم راز است

حافظ

زمانی که اسرار، نگفتنی است یا شنوای راز، محرم نیست، دل باید صندوق و نگاهدار باشد و از امانت خویش به بهترین صورت امانت داری کند و آن را به گاه ضرورت نیز جز به امانتدار نسپارد و این فرموده زیبای امیرالمؤمنین علی (ع) را در نظر داشته باشد که:

«صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ» (۱)؛ «سینه انسان عاقل، صندوق اسرار است».

ص: ۷۹

یکی از ویژگی های پیامبر خدا (ص)، امانتداری و رازداری ایشان بود. او هرگز راز کسی را برملا نکرد. ما نیز به پیروی از این معطرترین گل بوستان آفرینش، باید از افشای هرچه به عنوان راز به ما سپرده اند، پرهیزیم.

غم حبیب نمان به ز گفت و گوی رقیب که نیست سینه ارباب کینه محرم راز

حافظ

-عوامل افشای راز

اشاره

برخی عوامل افشای رازها عبارتند از:

الف) پرحرفی

اشخاص پرحرف، برای اشباع میل سخن گویی، از هر دری سخن می گویند و آنچه در دل و ذهن دارند به دیگران منتقل می کنند. چه بسیار اتفاق می افتد که

پرحرفی سبب پرده برداشتن از اسرار می شود.

ب) عقده حقارت

در جلسات دوستانه و نشست ها، غالباً از مطالب گوناگون سخن به میان می آید. افرادی که کمبود شخصیت و ضعف نفس دارند، می کوشند با سخنانی تازه، نظر حاضران را به خود جلب و احساس حقارت خود را جبران کنند و بدین ترتیب، برخی رازها را برملا می سازند.

ص: ۸۰

ج) دوستی و رفاقت

سومین عامل فاش شدن اسرار، دوستی‌ها و رفاقت‌هاست. شخص آگاه و فهیم باید دوستی و رفاقت را از حریم اسرار جدا کند و اسرار خود و دیگران را در اختیار دوستانش قرار ندهد. حضرت صادق (ع) فلسفه این کار را چنین بیان می‌فرماید:

لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ اطَّلَعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوُّكَ يَوْمًا مَا. (۱)

دوستت را بر اسرار آگاه مکن مگر آن مقدار از اسرار که اگر دشمنت هم از آن باخبر شد، زیانی به تو نرسد؛ شاید دوستت نیز روزی دشمن تو شود.

د) احساساتی شدن و عصبانیت

از عوامل افشای اسرار، تحمل نکردن بدی‌هاست. بسیار اتفاق می‌افتد که فرد یا افرادی بر اثر ناراحتی از کسی، اسراری را برملا می‌کنند. ولی پس از آن، پشیمان می‌شوند. بنابراین، آنها که بر احساسات و خشم خویش مسلط هستند، بر حفظ اسرار خود و دیگران تواناترند.

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۹.

ص: ۸۱

۱۲. اهانت و تحقیر

از دیگر آفت‌های زبان اهانت و تحقیر دیگران است. بی‌گمان، کسی که زبان به اهانت می‌گشاید آلوده شده و در واقع خود را تحقیر کرده است. در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) آمده است:

أَذْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۱)

ذلیل‌ترین مردم، کسی است که به آنان اهانت روا دارد.

تحقیر کردن مؤمن از زشت‌ترین کارکردهای زبان است. هرگز نباید افراد فقیر، ناتوان یا کسانی که عیوب ظاهری دارند را تحقیر کرد؛ چراکه خداوند به امور انسان‌ها آگاه است و این عمل برپایه فضایل اخلاقی نیست. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

هیچ مؤمن فقیری را تحقیر نکنید، به درستی که هر کس مؤمن تهیدستی را تحقیر نموده و کوچکش کند، خدا او را تحقیر می‌کند و همواره مورد خشم و غضب خداوند خواهد بود، تا از تحقیر کردن بیرون برود، یا توبه کند. (۲)

بعضی عادت کرده‌اند که دیگران را تحقیر کنند؛ مثلاً به دیگران لقبی می‌دهند، کسانی که به تحقیر کردن دیگران

۱- نهج الفصاحه، ص ۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۴۶.

ص: ۸۲

عادت کرده اند، در سفرهای زیارتی نیز گاه مشاهده می شود که به تحقیر دیگران می پردازند مثلاً وقتی در مکه و مدینه با آدم های سیاه پوست یا فقیر روبه رو می شوند، آنان را تحقیر می کنند یا در عراق وقتی فقر مردم این کشور را می بینند نگاه های تحقیرآمیز می کنند. این برخورد، زینده زائر ایرانی نیست. هیچ کس در انتخاب رنگ پوست خود مختار نبوده است. بنابراین سزاوار نیست برای چیزی که در اختیار او نیست، تحقیر شود.

۱۳. بازگویی گناه

بازگویی گناه دو حالت دارد: بازگویی گناهی که دیگران مرتکب شده اند و گناهی که فرد خودش مرتکب شده است.

در صورت اول حق نداریم گناه دیگران را برای کسی بازگو کنیم؛ زیرا این عمل از مصادیق اشاعه فساد و فحشاست و قرآن از این عمل منع کرده است و می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (نور: ۱۹)

به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است.

اما صورت دوم نیز که خودمان مرتکب گناهی شده ایم،

ص: ۸۳

حق نداریم آن را برای دیگران بیان کنیم و آبروی خود را نزد دیگران ببریم، بیان گناهان برای دیگران دو نتیجه جبران ناپذیر دارد:
الف) نقل گناهان صورت گرفته برای دیگران باعث می شود که از زشتی گناه کاسته شود و دیگران هم به آسانی مرتکب آن شوند.

ب) نزد دیگران بی آبرو و بی اعتبار می شود. وقتی کسی از اشتباهات گذشته خود سخن می گوید، آبروی خود را می برد و اطمینانی را که دیگران به او داشتند از بین می رود.

این عمل از دیدگاه اسلام پذیرفتنی نیست، به ویژه اگر کسی از گناهانی که انجام داده، راضی و خوشحال باشد.

حضرت علی (ع) فرمود:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُبَالِي أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئًا. (۱)

بدترین مردم کسی است که از اینکه مردم او را گناهکار ببینند، پروایی ندارد.

۱- غرر الحکم، ص ۴۶۳.

ص: ۸۵

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، صبحی صالحی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۷ه. ق.

۱. آثار الصادقین، صادق احسان بخش، قم، دارالعلم، ۱۳۶۶ه. ش.

۲. آداب معاشرت، نمایندگی ولی فقیه در مرکز تحقیقات سپاه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ه. ش.

۳. آفات زبان، سید محمد امین، بی جا، ۱۳۷۱ه. ش.

۴. آفات زبان در آیات قرآن احادیث و روایات، محسن غفاری، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹ه. ش.

۵. احیاء علوم الدین، ابوحامد محمد بن محمد غزالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ه. ق.

۶. ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹ه. ق.

ص: ۸۶

۷. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.
۸. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
۹. برگزیده رساله قشریه، علی محمد پشت دار، ابوالقاسم قشیری، فرهنگ صبا، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۰. پند تاریخ، موسی خسروی، چاپ چهاردم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۱. پیام پیامبر (ص)، سید محمدتقی حکیم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۲. تحف العقول، ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۴۰۰ ه. ق.
۱۳. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۱۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ه. ش.
۱۵. خصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ترجمه: آیت الله کمره ای، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، بی تا.

ص: ۸۷

۱۶. در سایه اولیای خدا، محمود شریعت زاده خراسانی، چاپ اول، دارالصادقین، ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۷. دنیای زبان، ۱۹۰ گناه زبان، کریم فیضی تبریزی، چاپ هفتم، نشر تهذیب، ۱۳۸۹ ه. ش.
۱۸. دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ه. ش.
۱۹. روضه الواعظین، محمد بن احمد فتال نیشابوری، تحقیق: غلام حسین مجیدی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ ه. ش.
۲۰. سب و لعن از دیدگاه اخلاق و فقه اسلامی، سید ابراهیم سید علوی، قم، مؤسسه الهادی، ۱۳۷۳ ه. ش.
۲۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، تهران، انتشارات فراهانی، بی تا.
۲۲. شناخت و درمان بیماری های روحی، سید مهدی شمس الدین، چاپ دوم، انتشارات شفق، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲۳. صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)، ترجمه: داریوش شاهین، چاپ اول، انتشارات زرین، ۱۳۵۶ ه. ش.
۲۴. عزت و ذلت آفرین های زبانی، احسان زاهدی، چاپ اول، نشر الطیار، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۵. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه. ش.
۲۶. قصه های قرآنی (یکصد داستان شنیدنی پیرامون قرآن کریم)، محمدرضا اکبری، چاپ هفتم، پیام عترت، ۱۳۷۷ ه. ش.

ص: ۸۸

۲۷. کشکول، بهاء‌الدین محمد بن حسن عاملی (شیخ بهایی)، ترجمه: بهمن رازانی، تهران، وزین، ۱۳۷۹ ه. ش.

۲۸. کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات کتابفروشی علمی، بی تا.

۲۹. کلید گنج سعادت (حکایات و روایات)، سید ابوالقاسم هاشمی ارسنجانی، قم، انتشارات ندای دوست، ۱۳۷۹ ه. ش.

۳۰. کنز العمال، علی بن حسام‌الدین متقی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵ ه. ش.

۳۱. مثنوی معنوی، جلال‌الدین مولوی، به اهتمام رنیولدالین نیکلسون، مصحح: غلامحسین دوبزرگی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۰ ه. ش.

۳۲. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ه. ش.

۳۳. مجموعه ورام، ابوالحسن ورام بن ابی فراس، ترجمه: محمدرضا عطایی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ه. ش.

۳۴. المحججه البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، قم، دارالنشر، ۱۳۶۹ ه. ش.

۳۵. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، بی تا.

۳۶. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات امین و رشیدی، بی تا.

ص: ۸۹

۳۷. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، فتح الله بن شکرالله کاشانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ش.
۳۸. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴ ه. ش.
۳۹. نفس در اسارت شیطان، معصومه بیگم آرمی، چاپ هفتم، تهذیب، ۱۳۸۹ ه. ش.
۴۰. نقش زبان در سرنوشت انسان ها، مهدی فقیه ایمانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ ه. ش.
۴۱. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمدرضا مهدوی کنی، چاپ اول، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۴۲. وسائل الشیعه، محمد بن حسن خُر عاملی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ ه. ش.
۴۳. هزار و یک حکایت اخلاقی، محمدحسین محمدی، چاپ سوم، صالحان، ۱۳۸۸ ه. ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

